

اخراج مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا بررسی شد

حمایت از حمله به ایران دلیل برکناری والتنز

صفحه ۱۱



بازی پیچیده دیپلماسی و تهدید

صراحت دیپلماتیک یا تهدید نظامی؟

صفحه ۲

از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵؛ تهران و واشنگتن در تقاطع دیپلماسی ترامپ باید نشان دهد که می‌تواند به توافقی بهتر از آنچه که بهم زد، با تهران دست یابد. به گزارش خبرآتلاین پایگاه اینترنتی روزنامه واشنگتن پست در مقاله ای با عنوان «ترامپ قول یک توافق بهتر با ایران را داد. این توافق خیلی شبیه توافق اوپاما است» نوشت:

دو ماه پیش، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، ایران را به «همیاران بی‌سابقه» تهدید کرد. وزارت امور خارجه ایران در پاسخ تأکید کرد: «خشونت، خشونت می‌آورد.»

خوشبختانه، از آن زمان، تنش‌های لفظی کاهش یافته است. ایالات متحده و ایران تاکنون سه دور مذاکرات با هدف کنترل برنامه هسته‌ای ایران برگزار کرده‌اند. این گفت‌وگوها در مراحل ابتدایی و عمدتاً غیرمستقیم بوده‌اند، با میانجی‌گری دولت عمان، اما هر دو طرف از روند مذاکرات ابراز رضایت کرده‌اند. حرکت از تهدید به گفت‌وگو نشانه‌ای امیدوارکننده از پیشرفت است. تقریباً هفت سال از زمانی که ترامپ، در نخستین دوره ریاست‌جمهوری‌اش، به سرعت ایالات متحده را از توافق بین‌المللی برای محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای ایران خارج کرد، می‌گذرد. توافق موسوم به «برنامه جامع

اقدام مشترک» در ژوئیه ۲۰۱۵ به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سیاست خارجی دولت اوپاما نهایی شده بود— عاملی که احتمالاً موجب شد ترامپ آن را لغو کند. او وعده ارائه توافقی بهتر را داد، اما تا پایان دوره ریاست‌جمهوری‌اش در سال ۲۰۲۱، هیچ مذاکره تازه‌ای انجام نشد. بدون شک، توافق اولیه دارای کاستی‌هایی بود. برای نمونه، برخی بندها پس از ۱۵ و ۱۱ سال منقضی می‌شدند، و متفقان بر این باور بودند که این امر ممکن است به ایران فرصت دهد تا در آینده سلاح هسته‌ای تولید کند. افزون بر این، توافقنامه درباره حمایت ایران از گروه‌های نیابتی منطقه‌ای مانند حزب‌الله در جنوب لبنان، حوثی‌ها در یمن، شبه‌نظامیان شیعه در عراق و حماس در غزه سکوت کرده بود.

با این حال، توافق سال ۲۰۱۵ محدودیت‌های سختگیرانه‌ای بر برنامه هسته‌ای ایران اعمال کرد. ایران تنها مجاز بود اورانیوم را تا سقف ۳٫۶ درصد غنی‌سازی کند—میزانی کمتر از سطح ۲۰ درصدی مورد نیاز برای بیشتر اهداف صلح‌آمیز و به‌طور قابل توجهی کمتر از ۹۰ تا ۹۵ درصدی لازم برای تولید سلاح. همچنین، ایران ملزم شد تعداد سانتریفیوژهای خود را از ۱۹۰۰۰ به حدود ۶۰۰۰ کاهش دهد و نظارت‌های سرزده آژانس بین‌المللی

انرژی اتمی را بپذیرد.

این محدودیت‌ها «زمان گریز هسته‌ای» ایران— مدت‌زمان لازم برای دستیابی به مواد شکافت‌پذیر کافی جهت تولید سلاح هسته‌ای—را از حدود دو ماه به بیش از یک سال افزایش داد؛ زمانی که برای آگاهی‌رسانی به جهان درباره هرگونه اقدام احتمالی ایران در جهت تولید سلاح هسته‌ای و واکنش مناسب به آن کافی تلقی می‌شد. در مقابل، ایران توانست از برخی تحریم‌های ایالات متحده و جامعه بین‌المللی رهایی یابد و میلیاردها دلار از دارایی‌های مسدودشده‌اش در بانک‌های خارجی را پس بگیرد. متفقان توافق معتقد بودند که ایران خیلی زود از تخفیف تحریم‌ها و دسترسی به سرمایه‌های مسدودشده بهره‌مند شد، و این منابع می‌توان به تأمین بودجه عملیات گروه‌های شبه‌نظامی در سراسر خاورمیانه کمک کرد.

علاوه بر این، توافق هیچ اشاره‌ای به توسعه موشک‌های بالستیک ایران، که قابلیت حمل کلاهک‌های هسته‌ای را دارند، نکرد. اکنون، ایران یکی از بزرگ‌ترین زرادخانه‌های موشکی منطقه را در اختیار دارد. این کشور در ماه آوریل و مجدداً در اکتبر سال گذشته، با استفاده از حدود ۳۰۰ موشک، مجموعه‌ای بی‌سابقه از حملات مستقیم علیه اسرائیل را اجرا کرد، و گمان می‌رود که هزاران موشک دیگر نیز در اختیار داشته باشد.

عربستان و ایران؛ ارتباطی برای تضمین امنیت منطقه‌ای

دیپلماتیک منجر شد، غلبه کنند.

در مسیر روند رو به رشد مناسبات دو کشور، سفر شاهزاده خالد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان سعودی به ایران و دیدار وی با حضرت آیت الله علی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب دیدار و تسلیم پیام کتبی خادم حرمین شریفین ملک سلمان بن عبدالعزيز، جایگاه ویژه ای دارد. حضرت آیت الله خامنه ای در این دیدار تصریح کرد: رابطه با عربستان به نفع هر دو کشور است و می توانیم مکمل یکدیگر باشیم.

طبق آنچه شاهزاده خالد در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت، در دیدار وی با حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب «به دستور رهبری سعودی» انجام شده و «روابط دوجانبه» و همچنین «مسائل و موضوعات مورد علاقه مشترک» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. حقیقت آن است که از کنار دیدار شاهزاده خالد با رهبر انقلاب نمی توان به سادگی گذشت، چرا که این دیدار با بالاترین رهبری ایران که دارای نفوذ سیاسی و مذهبی است، صورت گرفته است.

بر اساس قانون اساسی ایران، رهبری از اختیارات گسترده ای برخوردار است و در سیاست خارجی حرف آخر را می زند. او همچنین این قدرت را دارد که موضوعات را نه تنها از منظر سیاسی شکل دهد، بلکه به آنها مشروعیت دینی و بعد فکری نیز می دهد. بنابراین، صحبت های مثبت مقام معظم رهبری در مورد روابط با عربستان، پشتوانه قابل توجهی برای دولت مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، ایجاد می کند که به دنبال ایجاد روابط خوب با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است.

هنگامی که دور اول مذاکرات بین ایالات متحده و ایران در ۱۲ آوریل در مسقط، پایتخت عمان برگزار شد، وزارت خارجه عربستان بیانیه ای صادر کرد که در آن «حمایت پادشاهی از این تلاش ها و پذیرش گفت وگو به عنوان ابزاری برای حل و فصل همه مناقشات منطقه ای و بین المللی" را تأیید کرد. این بیانیه ابراز امیدواری کرد که نتایج مذاکرات ایران و آمریکا منجر به افزایش اقدامات مشترک برای تقویت امنیت، ثبات و صلح در منطقه و جهان شود. پس از آن شاهزاده فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه عربستان

نگاهی به قهرمانان ۲۴ دوره لیگ بر تر فوتبال

پرچم به دست تراکتور افتاد

صفحه ۵



سیف الرضا شهبازی

سرمقاله



درباره قهرمانی تیم فوتبال تراکتور

تیم فوتبال تراکتور تبریز به سر مربیگری دراگان اسکوچیچ کراوات موفق شد برای نخستین بار بعد از نیم قرن در لیگ برتر فوتبال به قهرمانی دست پیدا کند و آماده شود تا جام قهرمانی را در آینده نزدیک بالا ببرد. کسب افتخار قهرمانی در حالی نصیب تراکتور شده که در مسابقات اخیر با ۵۱ گل زده بهترین خط حمله و با ۱۵ گل خورده از بهترین خط دفاعی برخوردار بود. لازم است این موفقیت را به هموطنان آذری تبریک گفته شود و با آرزوی موفقیت های بیشتر و بهتر در آینده.

قهرمانی تراکتور از دو جهت حائز اهمیت است:

۱- یک تیم شهرستانی موفق شد قهرمان شود این قهرمانی نشان می دهد اگر تیم های شهرستانی به قدرت و توانمندی های خودشان اعتماد کنند و باور کنند از شایستگی‌های لازم برخوردارند؛ می توانند قهرمان یا نایب قهرمان شوند به این ترتیب، باید به موفقیت‌های تیم‌های شهرستانی در آینده بیشتر امیدوار بود در صورت ادامه قهرمانی تیم‌های شهرستانی به نظر می‌رسد بازیکنان نباید چشم به تیم‌های تهرانی بدوزند.

۲- دراگان اسکوچیچ یکبار دیگر لیاقت و شایستگی خودش در سرمربیگری تکرار کرد؛ دفعه قبل، تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی را به جام جهانی قطر بدر اگر چه با بی‌مهری فدراسیون فوتبال رو برو شد فدراسیون برکنارش کرد و کارلوس کی روش پرتغالی که هیچ رحمتی برای راهبایی تیم ایران به جام جهانی قطر کشیده بود را با هزینه سنگین جایگزین اسکوچیچ کرد با این توهم که، کی روش معجزه خواهد کرد و تیم ایران به مرحله دوم خواهد برد.

ادامه درصفحه ۲

ترامپ توافق بهتری از اوباما با ایران می‌بندد؟

اکنون مسئولیت بر دوش ترامپ و تیمش است تا اثبات کند می‌تواند به توافقی بهتر دست یابند—توافقی که در نهایت، نسخه‌ای مشابه توافق پیشین نباشد.

طبق گفته مقامات ایرانی، تاکنون مذاکرات صرفاً بر برنامه هسته‌ای ایران متمرکز بوده و بحث درباره حمایت تهران از گروه‌های نیابتی منطقه‌ای و برنامه موشکی آن، ظاهراً ممنوع بوده است. به‌عبارت دیگر، این روند از همین حالا شباهت زیادی به توافقی دارد که ترامپ از آن خارج شد.

واشنگتن پست در ادامه با ادعای اینکه ایران در شرایط دشواری نسبت به سال ۲۰۱۵ قرار دارد نوشت: باین‌حال، ایران در برخی زمینه‌ها موقعیت قوی‌تری یافته است. این کشور به‌تعداد یکی از تأمین‌کنندگان اصلی سلاح برای روسیه در جنگ اوکراین ظاهر شده و با ارسال پهپادهای تهاجمی و موشک‌های کوتاه‌برد، همکاری نظامی جدیدی را با مسکو آغاز کرده است.

در سال ۲۰۲۱، ایران همچنین یک همکاری استراتژیک ۲۵ ساله با چین امضا کرد، و پکن حجم فزاینده‌ای از نفت ایران را خریداری کرده و وعده سرمایه‌گذاری میلیاردری را داده است. رهبران دو کشور به‌طور مرتب دیدار می‌کنند. در ماه مارس، ایران، چین و روسیه یک رمزناش درباری مشترک در خلیج عمان برگزار کردند.

خبر

تعویق مذاکرات ایران و آمریکا در رم و چشم‌انداز آینده

مذاکرات ایران و آمریکا در رم، به‌رغم امیدهای اولیه برای کاهش تنش‌ها، متوقف شد. این توقف نه‌تنها به دلیل تضادهای مستقیم میان دو کشور، بلکه به‌واسطه عوامل بین‌المللی و منطقه‌ای رخ داد. این سطورعلاوه بر دلایل اصلی تعویق مذاکرات، به نقش اروپا، اسرائیل، چین و روسیه در این روند پرداخته و تلاش می‌کند این پرسش را بررسی کند که آیا مذاکرات ادامه خواهد یافت یا به بن‌بست می‌رسد.

گلنزا پناهی در برنا می نویسد: ایران تأکید دارد که لغو کامل تحریم‌ها پیش‌شرط هرگونه توافق است، در حالی که آمریکا خواهان تعهدات گسترده‌تر ایران در زمینه برنامه موشکی و مسائل منطقه‌ای است. این اختلافات اساسی، امکان دستیابی به توافق را دشوار کرده است.

برکناری مایک والتز

تغییرات در تیم مذاکره‌کننده آمریکا نشانه‌ای از نبود انسجام داخلی در دولت بایدن بود. این مسئله، ایران را نسبت به تعهدات واشنگتن بدبین‌تر کرد.

افشای مباحث محرمانه یمن

انتشار اطلاعات محرمانه درباره بحران یمن، فضای مذاکرات را مسموم کرد. ایران این افشاجاری را نشانه‌ای از بی‌اعتمادی طرف آمریکایی دانست و آمریکا نیز ایران را به بهره‌برداری از مسائل منطقه‌ای برای افزایش فشار منتهم کرد. از سوی بازریگران بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله اتحادیه اروپا به‌عنوان میانجی سنتی در مذاکرات هسته‌ای، خواهان تداوم گفت‌وگوها و دستیابی به توافقی است که هم امنیت منطقه را تأمین کند و هم از گسترش تنش‌ها جلوگیری کند. با این وجود، اروپا توانایی اعمال فشار مستقل بر آمریکا یا ایران را ندارد و اغلب در این روند، وابسته به سیاست‌های واشنگتن است.

از طرفی اسرائیل نیز که از مخالفین سرسخت هرگونه توافقی است می خواهد برنامه هسته‌ای ایران را بدون محدودیت‌های شدیدتر باقی بگذارد. این کشور، با اعمال فشار دیپلماتیک و تهدید به اقدام نظامی، تلاش می‌کند مذاکرات را به مسیر دلخواه خود هدایت کند. نقش اسرائیل در افزایش تنش‌ها و کارشنکی در روند مذاکرات، غیرقابل انکار است.

با این حال پکن به دلیل روابط اقتصادی قوی با ایران و نیاز به نفت این کشور، از لغو تحریم‌ها و ثبات در منطقه حمایت می‌کند. چین همچنین تلاش دارد نقش میانجی را ایفا کرده و به‌عنوان بازیگری مستقل در این مذاکرات ظاهر شود. و اما روسیه نیز از توافقی حمایت می‌کند که نفوذ ایران در منطقه را حفظ کند و در عین حال، روابط اقتصادی و نظامی خود با تهران را تقویت کند. با این حال، جنگ اوکراین و کاهش تعامل روسیه با غرب، تأثیرگذاری آن در این مذاکرات را محدود کرده است.

چشم‌انداز آینده: مذاکره یا شکست؟

با توجه به شرایط کنونی، چند سناریو قابل پیش‌بینی است:

۱. ادامه مذاکرات: فشارهای داخلی و بین‌المللی: مشکلات اقتصادی در ایران و آمریکا، همراه با فشار کشورهای اروپایی، چین و روسیه، ممکن است دو طرف را به سمت بازگشت به میز مذاکره سوق دهد. تغییر در سیاست‌ها: اگر دولت‌های ایران و آمریکا تمایل به انعطاف بیشتری نشان دهند، احتمال دستیابی به توافق وجود دارد.

۲. شکست کامل مذاکرات: بی‌اعتمادی عمیق: اختلافات اساسی بر سر موضوعات کلیدی مانند تحریم‌ها، برنامه موشکی و مسائل منطقه‌ای، ممکن است مانع هرگونه توافق شود. نقش مخرب بازیگران منطقه‌ای: فشارهای اسرائیل و کشورهای مخالف توافق، می‌تواند روند مذاکرات را بیش از پیش به بن‌بست بکشاند.

شکست مذاکرات در رم نشان داد که مسیر دیپلماسی میان ایران و آمریکا همچنان دشوار و پرچالش است. با این حال، فشارهای بین‌المللی و نیاز به کاهش تنش‌ها، احتمال بازگشت دو طرف به مذاکره را زنده نگه می‌دارد. آینده این مذاکرات به تصمیمات راهبردی دو کشور، نقش بازیگران بین‌المللی و توانایی آنها در غلبه بر بی‌اعتمادی متقابل بستگی دارد. در صورت تداوم اختلافات کنونی، شکست کامل مذاکرات و افزایش تنش‌ها در منطقه محتمل خواهد بود.